

محیط زیست و حمایت‌های حقوقی

محمد شکری*

مریی، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۷

The Needing to Attend Environmental Hazards from the View of National Security (Emphasizing the Environmental Security)

Mohammad¹ shokri*

Reception: 4 July 2016; Acceptation: 23 September 2016

Abstract

the environment as a set of natural resources and possibilities which directly or indirectly for the continuation of human life and other organisms is necessary. it with the progress of the industry is destroyed and damaged. the importance of the matter requires legal protections. Are Despite this importance, deserve attention from a legal perspective, what are the legal protections in this area? in the field of international law, frequent reflection of the environment and the obligations of it in the international documents illustrative concern in the world . as well as in Islam jurisprudence records and a criminal responsibilities towards exemplifications environmental resources is a significant f deterrent. Civil liability is also examined in this article for trying to repair the damage and losses caused it to return to the former status.

Keywords: the environment, criminal liability, civil liability, restore the previous position, compensation

چکیده

محیط زیست به عنوان مجموعه منابع و امکانات طبیعی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم برای تداوم زندگی انسان و سایر موجودات زنده ضروری است با پیشرفت صنعت در معرض تخریب و آسیب است، اهمیت موضوع مستلزم حمایت‌های حقوقی است. آیا با وجود این اهمیت از بعد حقوقی مورد توجه شایسته قرار گرفته است، حمایت‌های حقوقی در این عرصه کدامند؟ در عرصه حقوق بین الملل، انعکاس مکرر محیط زیست و تعهدات ناشی از آن در اسناد بین المللی روشنگر دغدغه جهانی در این خصوص است. همچنین پیشینه فقهی موضوع در اسلام و ایجاد مسئولیتهای کیفری نسبت به مصادیق منابع زیست محیطی به عنوان عاملی بازدارنده قابل توجه است. مسئولیت مدنی نیز با هدف ترمیم خسارت به صورت تلاش برای برگشت به وضعیت سابق و جبران خسارات ناشی از آن با تحلیل ارکان آن در این نوشتار بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: محیط زیست، مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی، اعاده به وضعیت پیشین، جبران خسارت

* mshokri.law56@gmail.com

مقدمه

عالم هستی متشکل از مجموعه مخلوقات موجود آفریدگار برخوردار از نظمی بهم پیوسته است که اجزا آن حرکت این دستگاه بزرگ و واحد را که حیات نام دارد میسر می‌سازد، این اجزا که امکانات و مواهبی است برای ادامه زندگی و گردش چرخ آن، به طور طبیعی موجود است. در زمانهای متمادی بدون دخالت و تغییر مصنوعی، تمام نیازهای انسان و سایر موجودات زنده، از طبیعت فراهم می‌شده است، لکن با پیشرفت انسان و میل او بر تسلط هر چه بیشتر بر اطراف خود، در صدد ایجاد تغییر در این منابع شد. بدین سان استمرار این پیشرفت و میل به چیرگی نامحدود در مقابل طبیعت و منابع زیست محیطی قرار گرفت که ویژگی آن محدود بودن است و تصرف نامعقول، افراط در استفاده و تفریط در نگهداری و حفظ آن، موجب تخریب و کاهش آن است که توازن و هماهنگی لازم برای خدمت دهی به حیات را مختل می‌کند، به همین دلیل نیاز به حمایت جدی دارد.

در تعریف محیط زیست می‌توان گفت مجموعه منابع و امکانات طبیعی و خدادادی است که ابناء بشر و سایر موجودات زنده برای تداوم حیات خود بدان نیاز دارند. این منابع جهت امکان حیات مطلوب می‌بایست از حداقل‌هایی برخوردار باشد و بهبود آن به طور مستقیم و غیرمستقیم منتهی به بهبود وضعیت زندگی می‌گردد. محیط زیست به عنوان مجموع ای از ذخایر طبیعی مورد نیاز انسان و موجودات زنده با توجه به محدودیت این منابع و استفاده از آن در معرض خطر کاهش است، در صورتیکه با استفاده بی رویه و غیرعلمی، آلودگی و تخریب آن و همچنین عدم تلاش جدی در حفظ و نگهداری این نعمت خدادادی و اصیل به تسریع نابودی یا کاهش کمی و یا کیفی آن منجر خواهد شد. میزان برخورداری از این منابع در واقع یکی از ملاکهای سطح رفاه اجتماعی را رقم می‌زند.

در دهه ۱۹۶۰ غالب کشورهای عقب مانده رشد اقتصادی را عامل توسعه می‌دانستند. (Bovaird, ۳۴۳-۳۶۸) که همین انگیزه ای برای شروع مهاجرت از روستا به شهر شد که با افزایش آن و تجمع بیش از حد این جمعیت فقیر شهری ایجاد حاشیه نشینی و استفاده از تکنولوژی جدید برای تأمین اشتغال آنان باعث به کارگیری منابع محیطی اطراف شهرها شده است، فشار بر طبیعت، استفاده از زمینهای اطراف شهرها برای ساختمان سازی و توسعه شهری موجب مشکلات خاص زیست محیطی شده و با تخریب و محدود نمودن منابع طبیعی به همراه بوده است.

بدون تردید محیط زیست شهری از اساسی ترین عوامل پایداری حیات طبیعی و انسانی در شهرنشینی است و عدم حفظ و حراست آب و خاک، هوا و فضای سبز شهری باعث به خطر انداختن حیات انسانها می

گردد. (فنونسی، ۱۳۷۸: ۲۲) تأمین نیازهای اساسی مردم شهر و توجه به خصوصیات اجتماعی و اقتصادی آنها می‌تواند عامل مهمی در توسعه شهری باشد. (شکوئی و محمدی، ۱۳۷۸: ۷)

دخل و تصرف غیرعقلانه انسان در محیط اطراف خود سبب از هم پاشیدگی و تخریب آن گردیده است و این دخل و تصرف، نظم ناشی از رابطه منطقی و معنادار بین موجودات جهان را مختل می‌کند. تجمع صنایع در حاشیه شهرها موجب آلودگی هوا شده است که خود منشأ بروز بیماریهای تنفسی و اختلالات عصبی می‌شود بحران کمبود مسکن در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ سبب پدیده مرتفع سازی گردیده که مشکلاتی مانند عدم وصول نور و روشنایی کافی به منازل و تاریک شدن آن و محدودیت های عبور و مرور را به دنبال داشته است. (Geddes and Kenneth, ۱۹۸۷: ۸۷)

همچنین عدم یا کاهش جریان هوا و کمک به تراکم آلودگی از دیگر آثار مخرب زیست محیطی پدیده بلند سازی است. شهرها و خصوصا شهرهای بزرگ از نظر بیولوژیکی در استفاده از منابع حیاطی چون آب و غذا در متابولیسم شهری همچون انگل عمل می‌کنند هرچه شهر بزرگ تر باشد از اطراف خود بیشتر طلب می‌کند و بدین ترتیب خطر تخریب محیط زیست افزایش می‌یابد. (بحرینی، ۱۳۷۶: ۷۶)

گروه بین حکومتی تغییرات آب و هوا (IPCC) که در سال ۱۹۸۸ از طرف سازمان ملل جهت بررسی وضعیت تغییرات آب و هوا (یا گرم شدن کره زمین) ایجاد شد در توجیح اهمیت کنفرانس COP۳ که از اول تا دهم دسامبر ۱۹۹۷ در شهر کیوتو ژاپن برگزار گردید اعلام داشت که گازهای گلخانه ای یعنی گاز کربنیک، متان و اکسید های ازت که توسط فعالیت های انسان در شهرها و اطراف آن در هوا تخلیه می شوند بزرگ ترین اثر تخریبی را روی وضعیت کره زمین به صورت تغییرات آب و هوایی سریع خواهند داشت. (همان: ۷۷)

هم اکنون با توجه به تصرف بیش از پیش انسان بر طبیعت به برکت صنعتی شدن آنها نسبت به چیزی که منابع موجود در آن، سنگ مایه تمام داشته ها و سرمایه ضروری با ضمانت اجرای وابستگی حیات و زندگی بدان است، تضمیناتی برای نگهداری و حفظ آن با قدرت و خشونت حقوقی کافی و متناسب، در برابر این تجاوزات و طمع بی رحمانه ضروری است، هدف این نوشتار گامی در جهت برجسته نمودن این حمایت‌های حقوقی و قانونی است تا شاید اندک امدادی باشد در حق این گوهر پایان پذیر. در همین راستا در ادامه به انواع حمایتها و ظرفیتهای موجود در قالب ایجاد مسئولیت در پیشینه فقهی، با استناد به برخی از آیات کلام وحی قرآن و سایر منابع فقهی، حقوق بین الملل و جایگاه آن در اسناد بین المللی، مسئولیت

کیفری جرایم مربوط به آن و مسئولیت مدنی با بررسی ارکان مسئولیت در خسارت و زیان وارد بر منابع زیست محیطی می پردازیم.

حمایت از محیط زیست در حقوق بین الملل

با توجه به مفهوم محیط زیست به عنوان محیطی که زیستگاه مشترک همه موجودات است، صرفنظر از مرزبندی بین المللی دولتها ملاحظه می گردد به طوری که می توان گفت یک منبع مشترک برای تمامی سکنه سیاره زمین است. تأثیر نقصان و بهبود محیط زیست صرفاً معطوف به درون مرزها نمی گردد و بناچار به دلیل پیوستگی کره زمین به عنوان یک مجموعه واحد طبیعی، طرف ذینفع همه دولتها، همه افراد انسانی و تمامی موجودات زنده واقع در آن می باشند. در واقع این فضا با امکانات طبیعی آن به عنوان جایگاه زیست و زندگی، محیطی واحد و یگانه است. به عنوان مثال بیابان زایی در یک نقطه قطعاً موجب کاهش سهم دنیا نسبت به قبل است.

در واقع مرزبندی دولتها یک تفکیک اعتباری است نه تفکیکی واقعی و عینی، به همین دلیل در هر نقطه از کره زمین به پیکره زیست محیطی آن آسیبی وارد آید به ناچار تأثیر منفی آن مستقیم یا غیر مستقیم دایره ای جهانشمول دارد. از همین رو طبیعی است که دولتها در ممانعت از اقدامات مخرب به این حق مشترک و ضرورت حفظ و نگهداری آن دغدغه خاطر و وظیفه و مسئولیتی بین المللی داشته باشند.

خصوصیت مرزگذری محیط زیست لزوم مشارکت و هماهنگی همه کشورها در حل بحران و مسائل و مشکلات آن و نگهداری منابع را ایجاب می کند که ممکن است در پی یک منفعت حقوقی مشترک به وجود آید یا اینکه تحت حاکمیت خاص هیچ کشوری نباشد. (Hepburn and Ahmad, ۲۰۰۵, p.۳) در چارچوب سازمان ملل متحد مفهوم توسعه پایدار برای ایجاد هماهنگی در دیدگاههای مختلف کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه راجع به اهمیت رعایت مسائل زیست محیطی از سیاستهای اقتصادی اخذ شده است. (Matsui, ۲۰۰۲: ۲)

در ماده ۱۳۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد در حقوق دریاها سال ۱۹۸۲ «منطقه بین المللی دریاها و اقیانوسها، بستر و زیر بستر و منابع موجود در آنها را میراث مشترک بشریت تلقی نموده و ماده ۱۳۷ کنوانسیون با تصریح به برخورداری تمام بشریت از همه حقوق موجود در منابع منطقه، ضرورت هم راستایی کلیه فعالیتهای منطقه، منافع بشریت به ویژه منافع و نیازهای کشورهای در حال توسعه و مردم سرزمینهای غیر مختار را بیان می دارد.»

همچنین اصطلاح میراث مشترک بشریت در کنوانسیون ۱۹۹۲ تنوع بیولوژیکی و کنوانسیون ساختاری ملل متحد بکار رفته است و در کنوانسیون اخیرالذکر آب و هوا و تنوع زیستی به عنوان نگرانی مشترک بشر شناسایی شده است که به همین دلیل تمامی کشورها در این خصوص مسئولیت مشترک دارند.

معاهده بین المللی راجع به منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی ۲۰۰۱ منابع ژنتیکی برای غذا و کشاورزی را نگرانی مشترک همه کشورها دانسته و بر ضرورت همکاری بین المللی جهت افزایش پتانسیل و توان کشورهای در حال توسعه تأکید کرده است.

اصل ۷ اعلامیه ریو اعلام می دارد: «دولتها باید با روحیه مشارکت جهانی در نگهداری، حفاظت و احیاء سلامت و یکپارچگی اکوسیستم زمین با یکدیگر همکاری کنند، با عنایت به سهم متفاوت دولتها در تخریب محیط زیست جهانی آنها مسئولیتهای مشترک لکن متفاوتی به عهده دارند. با توجه به فشاری که کشورهای توسعه یافته بر محیط زیست جهانی وارد می نمایند و همچنین تکنولوژی و منابع مالی که آنها در اختیار دارند این دولتها مسئولیت خود در پیگیری توسعه پایدار را تأیید می نمایند.»

همانطور که دیده می شود مقرر فوق الذکر، مشارکت و همکاری در حفظ محیط زیست را وظیفه همگانی دولتها و در سطح جهانی تعیین نموده است البته مسئولیت ناشی از عدم مشارکت بر اساس وضعیت و موقعیتهای خاص اقتصادی، جغرافیایی و اجتماعی دولتها یکسان نبوده و تفاوت دارد. به عنوان مثال کشورهای توسعه یافته توانایی مالی بیشتری برای اجرای برنامه های حمایتی از امکانات زیست محیطی را در مقایسه با کشورهای توسعه نیافته دارند، همچنین از نظر تکنولوژی و دانش مربوطه از برتری قابل توجهی برخوردارند لذا انصاف حکم می کند که تعهدات بیشتری نسبت به کشورهای در حال توسعه در قبال محیط زیست، این میراث مشترک داشته باشند.

در همین راستا در ماده ۱۱ اعلامیه ریو آمده است: «کشورها می بایست قوانین موثر زیست محیطی تصویب نمایند. استانداردهای زیست محیطی، هدف ها و مراتب مدیریتی باید انعکاس شیوه زیست محیطی و میزان توسعه مناطقی باشد که در آنه اعمال می گردد، ممکن است استانداردهایی که بوسیله یک دولت اعمال می شود برای سایر کشورها و خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه متناسب نبوده و یا از نظر اقتصادی و اجتماعی در بردارنده هزینه های غیر قابل تحملی باشد.»

بدین ترتیب به اقتضای شرایط و اوضاع و احوال هر کشور، و میزان توسعه یافتگی آن مسئولیت آن در قبال این وظیفه جهانی تبیین می گردد که ممکن است بیشتر یا کمتر از سایرین باشد. به عنوان نمونه ماده

توجه است. در منطقه تبخیر انفجار بمب هسته ای با ایجاد حرارتی معادل سیصد میلیون درجه سانتیگراد تمام اشیاء و موجودات آتش نمی گیرد بلکه تبخیر می شود، علاوه بر این در مناطق دیگر نیز صدمات بسیار شدید و جبران ناپذیری ناشی از تشعشعات مضر رادیواکتیو آن بر محیط می شود که تا سالهای متمادی حتی مانع امکان حیات موجودات زنده می گردد و موجب انواع بیماریهای سرطانی و سندروم و ضررهای بدنی غیرقابل درمان و قابل انتقال به نسلهای بعدی می گردد. از محیط زیست محل انفجار نیز مخروبه ای سوخته و آلوده به مواد هسته ای بر جا می ماند که تا صدها سال به شرایط زیست محیطی اولیه باز نمی گردد. (ساعد، ۱۳۸۴: ۲۷۲)

پرتوهای رادیواکتیو سلاحهای هسته ای سبب صدمه به محیط زیست حجال و آینده، مواد غذایی و زیست بوم دریایی می شود و علاوه بر قتل عام انسانهای موجود در محل حادثه موجب اختلال ژنتیکی و بیماریهای سرطانی در نسلهای آتی خواهد شد به طوریکه این سلاح می تواند تخریب و انهدام تمامی تمدن و زیست بوم کره زمین را در پی داشته باشد. (ساعد، ۱۳۸۴: ۲۷۳)

پیشینه فقهی حمایت از محیط زیست

محیط زیست در مفاهیم دینی و خصوصا دین مبین اسلام جایگاهی ویژه دارد. هر چند برخی ابتدای آموزه های دینی بر تسخیر شدن زمین برای انسان و تسلط او بر طبیعت از سوی خداوند را عاملی در تصرف دلخواهی در طبیعت و منافی حفظ محیط زیست می دانند. (white, ۱۹۹۸: ۱۲۰۳-۱۲۰۷) و یا برخی دیگر ادعا کرده اند کلیساهای، کنیسه ها و مساجد توجه کمی به مسائل عمده زیست محیطی دارند. (Train, ۱۹۹۰: ۶۶۵-۶۶۶)

لکن به نظر می رسد که چنین اظهاراتی ناشی از عدم توجه و درک لازم از منابع و قواعد دینی بویژه در دین مبین اسلام، قرآن و روایات صحیح است، آنچه در قرآن در مقام بیان تسخیر زمین و طبیعت بوسیله انسان آمده است قطعا معطوف به استفاده معقول است نه استفاده ای که متضمن زیان و ضرر خود انسان است و این مغایر تسخیر کامل است، فی الواقع صدمه به زمین و محیط زیست خود ایجاد مانع و محدودیت در تسخیر کامل است و در قرآن کریم تعدی نسبت به نعمات الهی نهی شده است. (۸۷/مائده) و اسراف و تبذیر از گناهان مسلم قلمداد می گردد.

سلطه ای که خداوند به انسان عطا کرده است مقید و مشروط است لکن این نگرش سکولار است که با انسان مداری و بریدن از خالق هستی سلطه ای نامحدود

۵ (۱) پروتکل مونترال مصوب ۱۹۸۷، در خصوص ایجاد و اقدامات کنترلی مصرحه در پروتکل نسبت به مواد نازک کننده لایه ازن به کشورهای در حال توسعه اجازه تأخیر ده ساله ای اعطا می کند. همچنین بر اساس بند ۵ ماده ۱۰ پروتکل مونترال تعهداتی را برای کشورهای در حال توسعه تعریف نموده لکن این تعهدات را منوط به این نموده که دولتهای توسعه یافته نسبت به همکاریها و کمک موثر مالی و انتقال تکنولوژی به این کشورها عمل نمایند و در واقع تعهدات مزبور یعنی کمکهای مالی و انتقال تکنولوژی را به دول توسعه یافته اختصاص داده است.

در پروتکل کیوتو ۱۹۹۷ تعهدات هر گروه از کشورها را بر اساس میزان توسعه یافتگی به تفکیک بیان می دارد: الف- کشورهای توسعه یافته که تعهدات ویژه ای در خصوص کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه ای و همچنین ارائه کمکهای مالی و فنی دارند.

ب- کشورهای توسعه یافته اقتصاد در حال گذر، این گروه از کشورها متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه ای هستند - ولی تعهدی برای کمکهای مالی ندارند -

ج- کشورهای در حال توسعه که این کشورها تعهدی در کاهش انتشار گازهای گلخانه ای ندارند و همچنین متعهد به ارائه کمکهای مالی و فنی نیز نمی باشند.

پروتکل ۱۹۹۶ کنوانسیون لندن جهت پیشگیری از آلودگی دریا از طریق تخلیه پسمان و سایر اشیاء، تعهد کشورهای توسعه یافته را انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه می داند. همچنین کنوانسیون بازل راجع به کنترل نقل و انتقال فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آنها، صادرکننده این پسماندها را کشورهای توسعه یافته می داند و تعهدی بیشتر در این راستا برای آنها مقرر می دارد.

خسارات زیست محیطی ناشی از حوادث اتمی

حقوق بین الملل بشردوستانه امروز علاوه بر حقوق مخاصمات مسلحانه و قربانیان اقدامات غیر قانونی در جنگها شامل سلاحهای غیر متعارف و کشتار جمعی و تخریب محیط زیست نیز می باشد. (فلک و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۵) و این به دلیل اهمیت حیاتی محیط زیست برای امکان زیست کلیه موجودات است که تخریب یا ورود آسیب به آن در واقع به نوعی تجاوز به حق حیات به عنوان مهمترین حق مسلم بشری است.

از مهمترین مصادیق عوامل تخریب زیست محیطی، سلاحهای هسته ای است که به لحاظ وسعت کمی و کیفی و همچنین سرعت آثار مخرب آن امری قابل

1. - Montreal Protocol on substances that deplete the ozon layer 1987
2. - Kyoto protocol to the united nations framework convention on climate change 1997

معنا را می دهد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸: ۲۳۷ و ۲۳۸) همچنین استفاده از سم و سم پاشی محیط دشمن نیز از نظر اسلام نهی گردیده است، در روایتی از پیامبر (ص) آمده است: «عن سکونی، عن جعفر عن ابیه عن علی(ع): ان النبی(ص) نهی ان یلقى سم فی بلاد المشرکین» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۳)

«اصل لاضرر» یکی از قواعد مسلم و مشهور در فقه است که مستند آن کتاب و سنت است و عقل نیز بدون تردید مؤید آن است، اعتبار سند روایت این قاعده مورد اتفاق فقهاست و حتی بر آن ادعای تواتر نیز شده است. (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۲) گذشته از تعدد استنباطهایی که از روایت از قبیل نهی حکومتی، نفی ضرر غیر متدارک، نفی موضوع به لسان نفی حکم و نفی حکم ضرری شده است، قطعاً این قاعده یکی از مستندات مهم و جامع فقهی است که به دلیل عمومیت آن در نفی ایراد زیان و خسارت بر محیط زیست و مسئولیت حقوقی راجع به آن، قابل اتکا است.

مسئولیت کیفری جرایم مربوط به محیط زیست

بر اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «جرم هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است.» و به تعبیر برخی جرم اولاً به کلیه اعمال ضد اجتماعی یا تشبیهی اطلاق می گردد که جامعه را دستخوش آسیب می کند. (نوریها، ۱۳۷۸: ۱۵۰).

قانونگذار نظر به درک اهمیت منابع زیست محیطی به عنوان وسیله ادامه حیات انسان و سایر موجودات زنده، با در نظر گرفتن مسئولیت کیفری و مجازاتهای تعزیری در صدد حمایت از آن بر آمده است که آگاهی افراد جامعه از این مواد قانونی قطعاً عامل مؤثری در پیشگیری از مبادرت به اعمال مضر به حال منابع محیط زیست است. در قانون مجازات اسلامی جرایمی به شرح ذیل راجع به جرایم علیه محیط زیست آمده است که به آنها می پردازیم:

اقدام علیه بهداشت عمومی

ماده ۶۸۸ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی که به جرم انگاری اقدامات علیه بهداشت عمومی می پردازد، در واقع نمونه بارزی از جرایم مربوط به محیط زیست را بیان می دارد:

«هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها، زباله در خیابانها، و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات

برای انسان قائل است که دقیقاً زمینه زیاده روی و منفعت طلبی حتی به قیمت صدمه به منابع محیط زیست را فراهم می آورد.

در نگرش سکولار، همین انسان خاکی که اکنون مطلق شده به نام رفاه اقتصادی جنگلهای وسیعی را تخریب می کند، بی آنکه لحظه ای به عواقب آن بر نسلهای آینده بشر یا سایر مخلوقات این جهان بیندیشد. اسلام هرگز اجازه نداده است انسان با تحقیر خدا یا عالم خلقت خدا، خود را تکریم کند. (نصر، ۱۳۷۹: ۲۲۵ و ۲۲۶)

کارایی به معنای استفاده موثر از عوامل تولید و بهترین تخصیص ممکن در منابع است، بنابراین هر گونه زیاده روی و یا استفاده ناشایست از این عوامل که از مصادیق اسراف و تبذیر محسوب می شود با کارایی اقتصادی سازگار نیست. (سبحانی، ۱۳۷۳: ۱۲۱)

یکی دیگر از موارد مؤکد در ادیان آسمانی و بویژه در دین مبین اسلام، نفی ظلم و تلقی آن به عنوان یک گناه مسلم است که در آیات قرآن کریم نیز این مهم مکرر آمده است:

«فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ لَدُفْعَةٍ عَذَابٍ كَبِيرًا» (فرقان/۶۵)

مسلمانا یکی از مصادیق ظلم، ظلم به محیط زیست و منابع زیست محیطی است که سبب فساد نعمتهای خداوندی است که تمامی بشریت ذیحق در استفاده از آن می باشند. برآستی چه ظلمی از این بارزتر که موجب خلل و آسیب در حیات انسان و سایر موجودات زنده می گردد.

آیه شریفه ۲۰۵ سوره بقره می فرماید: «و چون به حکومت رسد، در زمین به تکاپو می افتد تا در آن تباهی کند و کشت و نسل را به نابودی کشاند و خداوند تباهی را دوست نمی دارد»

هلاک نمودن حرث و نسل به معنای از بین بردن موجودات زنده اعم از گیاهی، حیوانی و یا انسانی است. (جمعی از نویسندگان زیر نظر مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۷۴) و (عبدالرحمان، بی تا: ۴۱۴) همچنین آیه ۵۶ سوره مبارکه اعراف بیان می دارد: «ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها» و در زمین پس از آنکه سامان گرفته است، تباهی نکنید.

«...ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها ذلکم خیر لکم ان کنتم مومنین» (اعراف/۸۵) و پس از اصلاح زمین در آن تباهی نکنید و این برای شما بهتر است اگر مومن باشید.

«...وما جئنا لنفسد فی الارض و» ما نیامده ایم که بر روی زمین فساد و تباهی کنیم. (یوسف/۷۳)

در ترکیب فساد فی الارض در آیات اخیرالذکر به دست می آید که در فسادی که در این آیات ذکر شده است مقید به قید «فی الارض» است، بدین معنی که تباهی کردن زمین از جهت اینکه محل استقرار و سکونت انسان است و جمله «یهلک الحرث و النسل» نیز همین

شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

همانطور که در ابتدای ماده آمده است جرم توصیف شده در ماده مذکور جرم اقدام علیه بهداشت عمومی می باشد، که در ادامه مصادیقی از آن را مانند آلوده کردن آب آشامیدنی و ... بیان می دارد، تمثیلی بودن این مصادیق با توجه به اصطلاح «از قبیل» و همچنین عنوان جرم که با واژه اقدام وصف گردیده است مشخص می گردد فلذا این ماده هر نوع اقدام که نتیجه آن مضر به حال بهداشت عمومی باشد را در بر می گیرد، به عنوان مثال وارد کردن چند دام مریض به داخل کشور ممکن است مصداقی از این جرم می باشد.

مجازاتانی که قانونگذار برای جرم فوق الذکر تعیین نموده است، «تا یک سال حبس» می باشد و در واقع مقنن صرفاً حداکثر مجازات را قید نموده است و محدودیتی از حیث حداقل قائل نگردیده است، بنابراین میزان آن حداکثر تا یک سال که بر اساس ماده ۱۹ و تبصره ۲ آن از نوع تعزیری درجه ۶ می باشد و در هر مورد بستگی به نظر دادگاه دارد که با توجه به درجه اهمیت و میزان دامنه اثرگذاری آن، مقدار مجازات مرتکب را تعیین نماید، همچنین نظر به درجه مجازات لحاظ شده برای این جرم، دادگاه به استناد ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی می تواند از مجازاتهای تکمیلی نیز استفاده نماید.

همچنین با توجه به میزان حداکثر مجازات تعیین شده برای جرم اقدام علیه بهداشت عمومی موضوع این ماده، مجازات حبس به میزانی که تعیین شده باشد در صورت ارتکاب عمدی جرم، تعیین مجازات جایگزین حبس، در اختیار دادگاه می باشد لکن چنانچه جرم بصورت غیر عمدی ارتکاب یافته باشد به مجازات جایگزین تبدیل خواهد شد.

قطع یا فراهم آوردن موجبات از بین رفتن درختان موضوع ماده ۱ قانون گسترش فضای سبز این جرم که در ماده ۶۸۶ کتاب تعزیرات آمده است، مورد آن درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز است، تصریح این ماده به درخت موجب خروج گیاهان و بوته ها از شمول ماده خارج است.

بر خلاف جرم قبلی با توجه به عبارت «عالمات عامدا» از جرایم عمدی است که وجود قصد مجرمانه مرتکب باید احراز گردد. رکن مادی این جرم عمل قطع کردن یا فراهم آوردن موجبات از بین رفتن درختان موضوع ماده در واقع عنوانی کلی است که هر فعل یا ترک فعلی از قبیل حرق، ریختن مواد سمی یا شیمیایی مضر، ممانعت از

نور یا آب چنانچه منتهی به از بین رفتن درخت گردد را شامل می شود.

در این ماده قانونی علاوه بر جبران خسارت مجازات این جرم را به نحو بدلی، حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۳ سال حبس یا جزای نقدی از ۳ میلیون ریال تا ۱۸ میلیون ریال تعیین شده است که انتخاب نوع آن و تعیین میزان آن در محدوده حداقل و حداکثر قانونی در اختیار دادگاه است.

کشتن، مسموم، تلف یا ناقص کردن حیواناتی که شکار آنها ممنوع است

عنصر قانونی این جرم، ماده ۶۷۹ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی است. این جرم از جرایم عمدی است. به گفته یکی از نویسندگان جرم عمدی جرمی است که عنصر روانی جرم در آنها قصد مجرمانه است. (نورپها، ۱۳۷۸: ۱۹۸) لذا حدوث جرم فوق الاشاره منوط به وجود چنین قصدی است و به صورت غیر عمد محقق نخواهد شد. شرط منفی این جرم «فقدان ضرورت» بنابراین موارد ضروری کشتن، مسموم کردن، تلف یا ایجاد نقصان، مانند دفاع در برابر حمله حیوان به جان یا اموال، مریضی و ... جایز و رکن قانونی جرم را از بین می برد.

مقنن مجازات این جرم در قانون حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه و یا جزای نقدی از یک میلیون تا ۳ میلیون ریال تعیین نموده است.

شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده

ماده ۶۸۰ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی شکار یا صید جانوران و حیوانات حفاظت شده را مقرر داشته است. شرط تحقق رکن مادی این جرم خلاف مقررات و عدم مجوز قانونی است، که در صورت فقدان این شرط منفی یعنی عدم مخالفت با مقررات و داشتن مجوز قانونی مانع تحقق جرم مزبور است. تفاوت این جرم از جرایم مرتبط با محیط زیست با جرم موضوع ماده ۶۷۹ که در بند پیشین بررسی گردید عبارتست از اینکه اولاً جرم ماده ۶۷۹ مربوط به جانورانی است که شکار آنها ممنوع است در حالیکه جرم ماده ۶۸۰ راجع به حیوانات و جانوران حفاظت شده است. ثانیاً جرم ماده ۶۷۹ از جرایم عمدی است در حالیکه تحقق جرم ماده ۶۸۰ وجود عمد در مرتکب ضروری نیست و ممکن است ناشی از بی احتیاطی یا سهل انگاری و عدم رعایت نظامات دولتی باشد. ثالثاً عنوان مجرمانه عمل موضوع ماده ۶۷۹ در موارد ضروری سلب می گردد لکن در خصوص جرم ماده ۶۸۰ این مسأله متفی است. رابعاً تفاوت در نوع مجازات که در خصوص جرم ماده ۶۸۰ مجازات حبس از ۳ ماه تا ۳ سال یا جزای نقدی

از یک میلیون و پانصد هزار تا ۱۸ میلیون ریال تعیین شده است که در مجموع مجازات آن سنگین تر است.

تهیه آثار تصرف نسبت به منابع محیط زیست

این جرم در ماده ۶۹۰ بخش تعزیرات پیش بینی شده است و در صورتی که منابع زیست محیطی موضوع جرم باشد از جرایم علیه محیط زیست خواهد بود، رکن مادی این جرم شامل ایجاد هر گونه آثار تصرف مانند پی کنی، دیوارکشی، زراعت و ... نسبت به جنگلها و مراتع ملی شده، منابع آبها چشمه سارها و انهار طبیعی و پارکهای ملی و دیگر مصادیق منابع زیست محیطی است و همچنین تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت نسبت به این اموال نمونه ای دیگر از این دست جرائم می باشد که قانونگذار مجازات یک ماه تا یک سال حبس را در نظر گرفته است.

عملیات موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی

رکن قانونی این جرم نیز ماده فوق الذکر (ماده ۶۹۰ قانون مذکور) می باشد که مقنن با به کار بردن عبارت «مبادرت به عملیات» خواسته است تمامی اقدامات مخرب محیط زیست و منابع طبیعی را پوشش دهد. مجازات این جرم و بند قبلی همانند مجازات بند (ه) یعنی یک ماه تا یکسال حبس می باشد آنچه در خصوص جرایم دو بند اخیرالذکر قابل ذکر است رسیدگی خارج از نوبت و امکان صدور دستور متوقف ماندن عملیات مرتکب تا صدور حکم قطعی است، که از نظر جلوگیری و پیشگیری از افزایش آثار مخرب بر محیط زیست امری ستودنی است که در تبصره ماده ۶۹۰ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی تصریح شده است. از طرف دیگر نقصان عمل مقنن نسبت به پیش بینی چنین امری در خصوص سایر جرایم علیه محیط زیست و منابع طبیعی، با توجه به اهمیت حیاتی و دشوار بودن و در بسیاری موارد غیرممکن بودن اعاده وضع به حال سابق پس از اقدامات مخرب و مضر علیه محیط زیست روشن می گردد.

البته جرایم مربوط به محیط زیست منحصر به موارد مذکور نیست و قانونگذار به موجب قوانین خاص دیگر نیز به اقدامات مختلفی علیه محیط زیست با تلقی عنوان مجرمانه برای آنها مجازات تعیین نموده است.

محیط زیست و مسئولیت مدنی ناشی از آن

علاوه بر مسئولیت کیفری که هدف اصلی آن به ویژه در مکتب دفاع اجتماعی جنبه بازدارندگی و ارعاب آن برای خود مجرم و سایر خاطیان بالقوه آتیه است.

مسئولیت مدنی ناشی از اعمال مضر به حال محیط زیست و منابع زیست محیطی امری مهم است. مسئولیت مدنی زمانی ایجاد می گردد که شخصی ناگزیر از جبران خسارت وارد به دیگری است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶) مسئولیت مدنی پاسخگوی خسارات وارد به شخص زیان دیده است و مفهوم آن وظیفه جبران زیان است خواه منشأ آن عدم انجام تعهد باشد یا ارتکاب فعل غیرمجاز. (شهیدی، ۱۳۸۳: ۱۹۷) همچنین گفته شده است مسئولیت مدنی در مفهوم کلی عبارت است از مسئولیت جبران خسارات ناشی از رفتارهای زیانبار (ره پیک، ۱۳۹۰: ۲۲) مسئولیت مدنی در معنای عام، مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی را در بر می گیرد لکن هرگاه اصطلاح مسئولیت مدنی بدون قید و وصف بکار برده شود منظور مسئولیت مدنی غیر قراردادی است. (تقی زاده، ۱۳۹۱: ۱۵)

آنچه در مسئولیت مدنی به عنوان ارکان ذکر می شود عبارت است از الف-عمل ب-ضرر ج-رابطه سببیت بین عمل و ضرر وارده است.

عمل (مثبت یا منفی)

عملی که برای ایجاد مسئولیت مدنی ضروری است باید شرایطی داشته باشد، منشأ غیر مجاز بودن گاه قرارداد یا قانون است، همچنین ممکن است منشأ تلقی عنوان غیر مجاز، عرف باشد. و به ترتیب عدم انجام تعهد قراردادی، رفتار بر خلاف قانون و متعارف سبب بروز عمل غیر مجاز باشد که ممکن است این عمل به صورت مثبت یا منفی صورت پذیرد. عمل مثبت مانند تخریب ناقص کردن یا آلودگی و عمل منفی یا ترک فعل مانند تفریط و کوتاهی سازمان، اداره و یا کارکنانی که وظیفه قانونی آنان، حفاظت از محیط زیست است. عمل غیر مجاز در موضوع مسئولیت مدنی ناشی از خسارات وارد به محیط زیست غالباً منشأ غیر قراردادی دارد و با تخلف از قانون و عرف صورت می گیرد، هرچند قراردادی بودن آن هم ممکن است، بدین صورت که دولت با دیگری قراردادی منعقد نماید و موضوع عقد اقداماتی باشد که در راستای تقویت یا حفاظت و نگهداری از محیط زیست و منابع طبیعی باشد. مانند قراردادی که سازمان محیط زیست با پیمانکاری جهت ایجاد فضای سبز در حاشیه شهر منعقد می کند و یا تعهد حفاظت از یک منطقه ی جنگلی را با انعقاد قرارداد خصوصی به دیگری بسپارد. بدیهی است که عدم انجام تعهد قراردادی عمل غیر مجازی است که با وجود سایر شرایط یعنی ایجاد ضرر و رابطه سببیت بین عمل مزبور که در قالب ترک فعل عدم انجام تعهد قراردادی ایجاد است، موجب مسئولیت مدنی برای متخلف از عهد است. لکن غالب موارد عمل غیرمجاز در مسئولیت مدنی مرتبط با محیط زیست، عمل برخلاف قانون است نمونه ی بارز عمل

یعنی عمل غیرمجاز در این موضوع تحقق میابد. همچنین ماده ۱ آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۶ خرداد ۱۳۷۳ آلودگی محیط زیست را «تغییر مواد محلول یا معلق یا تغییر درجه حرارت و دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی آب به حدی که آن را برای هدفی که برای آن مقرر است غیر مفید سازد.» تعریف می نماید.

با وجود قوانین مذکور و قوانین متعدد دیگری در این زمینه از جمله جرایم یاد شده موضوع مواد ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۹۰ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ که شکار جانوران کمیاب و در خطر انقراض مانند، تمساح، یوزپلنگ، گورخر، هوبره و شکار در پارک‌های ملی را به عنوان عملی غیرمجاز و حتی مستوجب کیفر معرفی می کند، همچنین قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، قانون مدیریت پسماند و... اکثر قریب به اتفاق موارد، منشأ عمل غیرمجاز، قانون است و تقریباً موردی برای منشأ عرف باقی نمی ماند، لکن قطعاً عرف هم ملاکی معتبر در تعیین عمل مجاز و غیرمجاز است تا رفتارهای نامعقول مشخص گردد.

ضرر

ضرر عبارت است از ایجاد هر گونه نقص در اموال یا از دست رفتن منفعت مسلم و یا لطمه به سلامت و حیثیت یا عواطف شخص (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴۴) ضرر ممکن مادی باشد یا معنوی.

ضرر مادی اعم از از بین رفتن یا نقص در عین، منفعت یا حق مادی از قبیل حق انتفاع که در موضوع بحث محیط زیست شامل تخریب و از بین بردن یا ناقص کردن کمی یا کیفی مواد متعددی از جمله درختان، جنگل ها، آب ها، دریاها، خاک، گونه های جانوری و گیاهی، مرجان های دریایی و غیره است.

ضرر معنوی عبارت است از هر گونه خسارت وارد بر شخص یا شخصیت او که به طور مستقیم جنبه مالی ندارد، اعم از روح، اعتبار احساسات و عواطف، اعتبار و حیثیت شغلی، خانوادگی، اوقات و سلامت روحی زیانده که شامل هر گونه خسارت بر شخص و متعلقات غیر مادی اوست. (تقی زاده، ۱۳۹۱: ۸۴)

در انگلستان اعضای یک خانواده شکایت می کنند که از صدا و گردوغبار ایجاد شده توسط کارخانه جدیدالاحداث دچار زحمت شده اند که مشمول شبه جرم (Naisance) است (نویسن، ۱۳۹۲: ۳۰۶) ضرر معنوی و ضرورت جبران آن به استناد اصل ۱۷۱ قانون اساسی و تصریح ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ موضوعی بدیهی است. در خصوص خسارات معنوی ناشی از تخریب، نقص و یا ایجاد آلودگی در منابع زیست محیطی امری قابل توجه است و این زیانها صرفاً منحصر به زیان مادی وارد به انسانهای موجود

بر خلاف قانون، جرائم مربوط به این موضوع در قانون مجازات اسلامی است که در مباحث قبلی بدان پرداخته شد. علاوه بر آن قوانین دیگری نیز هستند که عمل برخلاف آنها به تصریح قانونگذار غیرمجاز بوده و در صورت ورود ضرر و احراز رابطه سببیت، مثبت مسئولیت مدنی خاطی است.

نمونه ای دیگر از عمل غیرمجاز با منشأ قانونی، تفریط سازمان محیط زیست و یا ماموران و محیط بانان در انجام وظایف قانونی است که موجب آسیب به محیط زیست شود. یکی از مصادیق بارز عمل غیرمجاز در این حوزه، «آلودگی محیط زیست» است تبصره ۲ م ۶۸۸ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی خوشبختانه با تعریفی موسع از آلودگی محیط زیست تقریباً تمامی مصادیق این عمل غیرمجاز را پوشش می دهد، این مقرر قانونی بیان می دارد:

«(منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد.»

لذا عمل غیرمجاز آلودگی با منشأ قانونی پوششی همه جانبه دارد بطوری که پخش و آمیختن مواد خارجی به طور مطلق و بدون قید بیان گردیده بنابراین هر نوع ماده ای را اعم از طبیعی یا شیمیایی در برمی گیرد. قسمت بعدی ماده نیز با ذکر ۳ عنصر مهم از عناصر اربعه شامل آب، هوا و خاک یا زمین، پوشش جامعی برای تمامی مصادیق عمل غیرمجاز آلودگی را فراهم می آورد و در ادامه قید عمل غیرمجاز را تغییر کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک تا حدی که مضر به حال انسان، سایر موجودات زنده و گیاهان و آثار ابنیه بیان می کند.

در انگلستان نیز به موجب قانون محیط زیست مصوب ۱۹۹۰ (Environment protection act, ۱۹۹۰) مواردی مانند احداث ساختمان های مضر برای سلامتی و بهداشت و ایجاد و انتشار دود، بخارات و گازها، گرد و غبار، بخار آب، بوهای متعفن، جمع آوری حیوانات، سر و صدا و ناراحتی های صوتی و انواع وسایل و اقدامات دیگر که از نظر بهداشتی زیان آور می باشند و ... مزاحمت های قانونی (Statutory Nuisance) معرفی شده اند (نویسن، ۱۳۹۲: ۳۷۷ و ۳۷۸)

همچنین اصل ۵۰ قانون اساسی حفاظت از محیط زیست را وظیفه عمومی تلقی می کند و فعالیت های اقتصادی و غیر اقتصادی موجب آلودگی یا تخریب محیط را منع می نماید.

در واقع به موجب این اصل قانون اساسی با تلقی حفاظت از محیط زیست به عنوان «وظیفه عمومی»، تعهدی قانونی برای تمامی افراد ایجاد شده است و با ترک آن وظیفه، بدون تردید اولین رکن مسئولیت مدنی

این رسالت تا حدودی امکانپذیر است.

اعاده به وضعیت سابق

این قسمت از آثار مسئولیت مدنی در واقع تلاش برای برقراری حالت قبل از وقوع واقعه زیانبار است، اعاده وضع به حال سابق، علاوه بر اینکه نمونه عینی قرارگرفتن زیان دیده در حالت پیشین است در واقع موجب قطع اثر زیانبار نسبت به آینده نیز هست، که درخصوص موضوع بحث، یعنی محیط زیست و منابع زیست محیطی این مسأله از اهمیت بسیاری برخوردار است، در واقع چنانچه بتوان وضعیت بهم خورده که تخریب یا صدمه به این منابع است، ترمیم نمود بهترین کمک به تحقق رسالت مسئولیت مدنی ناشی از زیان به محیط زیست شده است، این وضعیت ناشی از ماهیت منابع طبیعی و عناصر مربوط به آن است.

مثلاً چنانچه شخص به نحو غیرمجاز یکی از حیوانات نادر را صید نماید قطعاً بهترین حالت برای رسیدن به وضعیت سابق ملزم نمودن وی به آزاد کردن و برگشت حیوان مزبور به دامن طبیعت است، در انگلستان هدف از شبه جرم (Tort) را پرداخت غرامت به شخص زیان دیده (Cmpensation) و منع و جلوگیری سایر افراد از ورود ضرر و زیان می دانند.

در صورتی که بتوان عامل زیان را مجبور نمود رودخانه آلوده شده را، عاری از آلاینده نماید و منبع ورود آلودگی را مسدود کند و یا از ادامه فعالیت مضر کارخانه های منبع آلودگی هوا و یا دفن نادرست زباله ها و ضایعات جلوگیری شود و یا با تفکیک زباله تر و خشک از آلودگیهای بالقوه آتی ممانعت بعمل آورد، قطعاً شالوده هدف مسئولیت مدنی برآورده شده است. به تعبیر یکی از نویسندگان، «این اقدامات احتراز و پیشگیری از ضرری است که هنوز آغاز نشده است».

(کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۶۷۰)

در مسئولیت مدنی ناشی از محیط زیست، پیشگیری اهمیت حیاتی دارد، زیرا آثار سوء این خسارات به حال زندگی انسان و موجودات زنده استمرار دارد.

در همین راستا ماده ۱۳ قانون حفاظت محیط زیست، پیشگیری و ممانعت از هر نوع اقدام مخرب و برهم زننده تعادل و تناسب محیط زیست را از مهمترین وظایف سازمان حفاظت از محیط زیست معرفی می کند. و در واقع این بخش از آثار مسئولیت مدنی علاوه بر درمان گذشته در جهت عنصر پیشگیری از خسارات آینده است.

در حقوق فرانسه نیز چنانچه دادگاه ورود صدمه به خواهان یا شاکی را بپذیرد، باید خسارت به طور کامل ترمیم^۳ و جبران شود. (نوبین، ۱۳۹۱: ۱۵۶) که بطور مسلم اعاده به حالت پیشین در موارد ممکن، جزء

در آن محیط نیست.

آلودگی های صوتی مخرب اعصاب، قطعاً آرامش شنونده را صلب می کند، آلودگی هوا علاوه بر ایجاد بیماری های ریوی و سرطان، موجب زیان معنوی به صورت فشار روحی و تنش ذهنی برای فرد بیمار و افراد خانواده اوست

تخریب جنگل ها باعث محرومیت انسان های منطقه از نشاط و آرامش حاصل از تماشای و قدم زدن در محیط طبیعی و تغییر آب و هوا و کاهش احساس شادابی بشر است که همگی اینها مصادیقی بارز از خسارات معنوی است.

عدم النفع

یکی از شرایط ضرر قابل مطالبه، مسلم بودن آن است (تقی زاده، ۱۳۹۱: ۶۸) و (ره پیک، ۱۳۰۰: ۶۰) که در خصوص ضرر گذشته و حال (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۷۸) اثبات شده است، لکن در خصوص مسلم بودن ضرر عدم النفع که در واقع منافعی است مربوط به آینده، تردیدهایی وجود دارد زیرا هنوز ضرر ایجاد نشده است، به عبارت دیگر در آینده امکان ایجاد آن نفع در شرایط معمولی وجود دارد، لکن عمل غیر مجاز زمینه تحقق آن را از بین برده است.

در این خصوص به نظر اکثر نویسندگان حقوقی چنانچه، محقق الحصول باشد مسلم تلقی شده و باید جبران شود. (تقی زاده، ۱۳۹۱: ۶۹) و منفعت محقق یعنی منفعتی که در صورت عدم فعل زیانبار به متضرر می رسید قابلیت جبران را دارد (امامی، ۱۳۸۵: ۴۰۰)

در خصوص جرائم و خسارات وارد به محیط زیست، عموماً عدالنفع یکی از مصادیق ضرر است، زیرا تخریب یک منبع زیست محیطی مسلماً علاوه بر ضررهای فعلی، انسان ها و سایر موجودات زنده را از بسیاری از منافع قطعی الحصول آینده آن محروم می سازد، تخریب یک نقطه طبیعی دیدنی، سبب محرومیت برخورداران از منابع و فواید آن در زمانهای آینده نیز هست و علاوه بر این، محرومیت به نسل های آتی نیز تسری می یابد و یا آلودگی هوا یا خاک و یا بیابان زایی منافع قطعی الحصول معتابیهی را از آیندگان نیز سلب خواهد کرد.

رابطه سببیت نیز که در واقع امکان انتساب ضرر حاصله به عمل (خواه مثبت یا منفی) است. رکن سوم مسئولیت مدنی است، یعنی اثبات اینکه عمل غیرمجاز شخص علت ایجاد ضرر و خسارت شده است.

آثار مسئولیت مدنی

در واقع هدف مسئولیت مدنی برقراری نظم به هم خورده ی ناشی از ورود ضرر به دلیل وقوع فعل فعل زیانبار است که این مهم علاوه بر زمان گذشته می بایست به آینده نیز توجه نماید، لهذا تحت دو عنوان

لاینفک جبران کامل خسارت است.

ماده ۳۲۹ قانون مدنی درست اعاده به وضع سابق را در اولویت قرار داده است این مقررہ بیان می دارد: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت آن برآید.»

این ماده در مقام بیان یک قاعده عمومی است و بنا یا خانه خصوصیتی ندارد که بدان اختصاص یابد، لذا در تمام موارد و بویژه مسئولیت مدنی مرتبط با محیط زیست و اهمیت بازسازی به نحو پیشین، باید مد نظر قرار گیرد.

جبران خسارت

جبران خسارت (Remedy) که در حقوق مسئولیت مدنی کامن لا اصل است، عبارت است از دادن معادل خسارتی است که وارد شده است. در خصوص منافع، استرداد عین با توجه به عینیت نداشتن و معدوم شدن با استفاده موضوعاً منتفی است و بناچار با دادن معادل جبران می گردد جبران خسارت با دادن مثل یا قیمت بعمل می آید که در حقوق ما، در مخصوص اموال مثلی، دادن مثل ترجیح دارد هرچند بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی دادگاه می تواند به قیمت نیز حکم دهد. لکن در خصوص اموال قیمتی، قیمت معادل به عنوان جبران خسارت لحاظ می گردد.

در پی ایجاد مسئولیت مدنی ناشی از ورود خسارت محیط زیست هر چند اعاده وضع به حالت سابق، به دلالی که بیان شد بهترین شیوه رسیدن به مقصود است لکن با توجه به ویژگی های خاص و ماهیت منابع زیست محیطی در بیشتر مصادیق، اعاده به وضعیت پیشین جزئاً یا کلاً غیر ممکن است. مثلاً بازگرداندن وضعیت قسمتی از محیط جنگلی که به دلیل آتش سوزی یا هر علت دیگر تخریب شده است، به حالت پیشین آن امری دشوار و گاه غیر ممکن است و یا چگونه ممکن است چنانچه به آلوده شدن آب دریا به مواد نفتی یا فاضلاب های صنعتی حاوی مواد مضر موجب از بین رفتن آبزیان و ماهیان منطقه ای دریایی می گردد، چگونه ممکن است به حالت قبل برگردد، النهایه اعاده به وضع سابق صرفاً نسبت به خسارات آینده می تواند مؤثر باشد، لکن نسبت به خسارات گذشته امری محال است. یا اینکه وقتی بر اثر شکار غیر مجاز گونه ای نادر از یک جانور وحشی منقرض می شود یا در معرض انقراض قرار می گیرد اساساً اعاده به وضع سابق مقدور نیست.

همچنین در صورتی که آلودگی هوا یا آب بویژه سبب بروز بیماری علاج ناپذیر در شخص گردد چگونه می توان وضعیت قبلی او را بازسازی نمود. به همین دلیل همانند سایر مصادیق مسئولیت مدنی، چاره ای جز جبران خسارت با پرداخت غرامت باقی نمی ماند،

البته در راستای تلاش هرچه بیشتر در بازسازی وضعیت قبلی، نتیجه مسئولیت مدنی می بایست به نحوی باشد که تا آنجا که ممکن است به احیاء موضوع آسیب دیده یا نزدیک به آن و به اصطلاح فقهی اقرب به غرض کمک نماید. به عنوان مثال چنانچه شخصی سبب آتش سوزی قسمتی از یک منطقه جنگلی شده است از جهت مسئولیت مدنی، صدور حکم مبنی بر الزام او یا توسط دیگری با هزینه او به ایجاد فضایی سبز مشابه آن در محل حادثه یا نزدیک آن هر چند با درختان و گونه گیاهی متفاوت با آنچه از بین رفته، مطلوبتر است.

آنچه گفته شد با مقررات و قانون کشور ما نیز انطباق کامل دارد و به اصطلاح از نظر استناد نیز پشتوانه قانونی دارد. مسئولیت مدنی ناشی از تخریب، نقص یا وارد کردن زیان به محیط زیست و منابع طبیعی تحت عناوین وقایع حقوقی «اتلاف» و «تسبیب» قرار می گیرد. بر اساس ماده ۳۲۸ قانون مدنی «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کرده ضامن نقص قیمت آن مال است.» مشابه مفاد همین ماده از جهت جبران خسارت به مثل یا قیمت در خصوص تسبیب نیز در ماده ق.م. آمده است.

طبق مفاد مواد مذکور دادن مثل یکی از روشهای جبران خسارت است که با لحاظ مفاد ماده ۳۲۹ قانون مدنی و همچنین اصل بودن اجرای عین تعهد در حقوق ما و از همه مهمتر، ماهیت منابع زیست محیطی، مثل و اهتمام در ایجاد وضعیت نزدیکتر به حالت قبل از زیان، معقول تر و مناسبتر است، البته در مواردی که با توجه به وضعیت غیرممکن بودن اعاده به حال سابق یا ایجاد وضعیت مثل و سایر اوضاع و احوال، حکم به پرداخت قیمت می شود، دادگاه می تواند ضرورت اختصاص مبلغ مزبور به بازسازی محیط زیست و ایجاد وضعیت مثل یا مشابه توسط سازمان یا نهادهای متولی این امر مانند سازمان حفاظت محیط زیست را مورد حکم قرار دهد.

نتیجه

محیط زیست عبارت است از مجموعه منابع و امکانات طبیعی که بشر و سایر موجودات زنده بطور مستقیم یا غیرمستقیم برای ادامه حیات بدان وابسته اند. بنابراین نظر به اهمیت حیاتی این گوهر گرانها که سنگ مایه تمامی وسایل و امکانات مورد نیاز انسان و موجودات زنده است، درخور توجه و حمایتی شایسته است تا در معرض تعدی و تفریط و نابودی قرار نگیرد.

با شروع انقلاب صنعتی و سیطره هرچه بیشتر انسان بر طبیعت احتمال زیاده روی در استفاده از منابع محیط

زیست و کوتاهی نگهداری و حفاظت آن سرعت گرفت از همین رو حمایت های حقوقی به عنوان ضمانت اجراهایی که به راحتی قابل اغماض نیست ضروری نمود.

در حقوق بین المللی حفاظت از محیط زیست یکی از قواعد حقوقی مسلم به شمار می رود و نامیدن عنوان «میراث مشترک بشریت» و انعکاس تعهدات دولت ها در قبال محیط زیست و مصادیق گوناگون منابع زیست محیطی به تبع آن مسئولیت ناشی از نقض این تعهدات در اسناد بین المللی متعدد که بدان پرداختیم، نشان از دغدغه خاطر دولت ها و اوضاع نابسامان در این است. از جهت مسئولیت کیفری ناشی از اقدامات علیه محیط زیست در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی از جمله اقدام موجب تهدید علیه بهداشت عمومی شکار یا صید حیوانات وحشی حفاظت شده، ایجاد آثار تصرف در منابع محیط زیست کشتن یا از بین بردن یا ناقص کردن حیواناتی که شکار آنها ممنوع است، عملیات تخریب محیط زیست و منابع طبیعی، قطع یا از بین بردن درختان موضوع ماده ۱ قانون گسترش فضای سبز و... همچنین قوانین خاص متعدد در این خصوص نقش بسیار زیادی در ارباب و پیشگیری از تجاوز به این منابع حیاتی دارد.

همچنین مسئولیت مدنی ناشی از تخریب و آسیب به محیط زیست، مسئولیت اיתاری است که هدف و رسالت اصلی آن رفع آثار سوء ایجاد شده است آثار مسئولیت مدنی تحت دو عنوان اعاده به وضعیت سابق و جبران خسارت متجلی می شود، اعاده به وضع پیشین هم از جهت عملی و ماهیت منابع زیست محیطی و هم از جهت انطباق با اصول و قواعد حقوقی کشور که مبتنی بر اصول بودن اجرای عین تعهد است ترجیح دارد لکن در بسیاری از موارد چون اعاده به حالت پیشین غیر ممکن است چاره ای جز جبران خسارت نیست جبران خسارت شامل مثل و قیمت است که با توجه به فایده ای که ذکر گردید، تلاش محاکم باید ایجاد وضعیت مثل، همانند قبل از ورود خسارت باشد، همچنین در صورت اتخاذ تصمیم به پرداخت غرامت، با تعیین مصرف وجه دریافتی در جهت ایجاد وضعیت مشابه یا نزدیک به وضعیت قبل، به بهبود حال محیط زیست کمک عینی نماید.

منابع

امامی، سید حسن. (۱۳۸۵). "حقوق مدنی". جلد اول. چاپ بیست و ششم. تهران: انتشارات اسلامیة انصاری، مرتضی. (۱۴۱۴). "رسائل الفقیه". چاپ اول. قم: المؤتمر المئوی بحرینی، سید حسین. (۱۳۷۶). "شهر، شهرسازی و محیط زیست". مجله محیط شناسی شماره ۲۰، ص ۷۵ تا ۸۴

ترنر، جان. (۱۳۷۵). "شهرنشینی و خانه سازی در کشورهای در حال توسعه". ترجمه پرویز زاهدی. مجله مسکن و انقلاب. شماره ۷۲ مهر و آبان تقی زاده، ابراهیم. (۱۳۹۱). "مسئولیت مدنی: ضمان قهری". چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور ره پیک، سیامک. (۱۳۹۰). "حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها". چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات خرسندی فلک، دیتر و دیگران. (۱۳۸۷). "حقوق بشر دوستانه در مخاصمات مسلحانه". گروه مترجمین. ویرایش سید قاسم زمانی و نادر ساعد. چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش ساعد، نادر. (۱۳۸۴). "حقوق بشر دوستانه و سلاحهای هسته ای". چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش سبحانی، حسن. (۱۳۷۳). "نظام اقتصادی اسلام". چاپ اول. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی شهیدی، مهدی. (۱۳۸۳). "آثار قراردادهای و تعهدات". چاپ دوم. تهران: انتشارات مجد جمعی از نویسندگان، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی. (۱۳۷۱). "تفسیر نمونه". جلد دوم. چاپ نهم. تهران: دارالکتاب الاسلامیه عبدالرحمان، محمود. (بی تا). "معجم المصطلحات والألفاظ الفقهیه". جلد سوم. بی جا کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). "الزامهای خارج از قرارداد". جلد اول. چاپ هشتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۷۸). "بایسته های فقه جزا". چاپ اول. تهران: نشر میزان-نشر دادگستر طوسی، ابو جعفر محمدبن الحسن. (۱۴۰۷). "تهذیب الاحکام". چاپ چهارم. تهران: دارالکتاب الاسلامیه نصر، سید حسن، (۱۳۷۹). "نیاز به علم مقدس". حسن میانداری. چاپ اول. قم: طه نوربها، رضا. (۱۳۷۸). "زمینه حقوق جزای عمومی". چاپ سوم، تهران: انتشارات دادآفرین نوین، پرویز. (۱۳۹۲). "حقوق مدنی ۴". چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش

Bovaird, T. (1992). Local Economic Development and the city in urban studies. vol.29. no. 314

Geddes, J. and Kenneth Muir. (1987). "Aspects of Social Geography change and development. London, Hodder and staughton, Hepburn, jarrod and Ahmad, Imran..(2005) "the principle of common but differentiated responsibilities" CIDL, available at: <http://www.CIDL1.ORG/PDF> Matsui, Yashiro. (2002). "Some aspect of the principle of common but differentiated responsibility, international environmental

- opment. (1992)
- United nations convention on the law of sea. (1982)
- United nations framework convention on climate change. (1992)
- Kyoto protocol to the united nation framework convention on climate. (1997)
- agreements: politics, law and economic. Vol 2 no 12
- Jynn white Jr1967) .). “The historical Rppts of our Ecological Crisis. science. Vol. 155
- Montreal Protocol on substances that deplete the ozone layer 1987
- Environment protect act. (1990)
- Rio declaration on environment and devel-